

## تأثیر تفاوت جنسیتی بر فعالیت انسانی و فعالیت اجتماعی از نظرگاه امامیه و وهابیت با محوریت اندیشه‌های آیت‌الله‌جوادی‌آملی و بن‌باز

فاطمه رئوفی تبار\*

مهدی فرمانیان\*\*

### چکیده

تفاوت جنسیتی، به معنی مذکر یا مؤنث بودن از جمله ویژگی‌هایی است که نوع انسان را به دو صنف بزرگ زن و مرد، تصنیف می‌کند. با وجود تمام اختلاف‌های زن و مرد، هر دو در ذیل نوعی واحد قرار می‌گیرند و اشتراک‌های آن‌ها سبب می‌شود که هر دو، انسان نامیده شوند. باین حال، اختلاف‌های وابسته به جنسیت، نگاه‌های متفاوتی را نسبت به فعلیت انسانی زن و فعالیت‌های اجتماعی او سبب شده است. هدف از این پژوهش، تأثیر تفاوت جنسیتی بر فعلیت انسانی و فعالیت اجتماعی از نظرگاه امامیه (به‌نمایندگی از تلقی دوم) و وهابیت (به‌نمایندگی از تلقی اول) با محوریت اندیشه‌های آیت‌الله‌جوادی‌آملی و بن‌باز است که با روش تطبیق و تحلیل به نگارش درآمده است. بر این اساس، بن‌باز در وهابیت از جمله کسانی است که با اعتقاد به نقص عقل و ایمان زن، فعلیت انسانی او را بی‌پاسخ قرارداد و به بهانه حرمت اختلاط با مرد، او را از حضور در اجتماع بازمی‌دارد. این نگاه با تکیه به ظاهر برخی احادیث، چشم خود را بر روی آیات و روایات متعدد قرآن که تکامل انسان را مقید به جنسیت خاصی نکرده و ملاک و معیار را تنها انسانیت و تقوا می‌داند؛ بسته است. در مقابل، آیت‌الله‌جوادی به نمایندگی از تفکر امامیه، مهم‌ترین بعد انسان را روح می‌داند که جنسیت در آن معنا

---

\* طلبه سطح ۴ جامعه الزهراء (ع) و دانشجوی دکتری دانشگاه قم (fmrt.1371@gmail.com)

\*\* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

(تاریخ دریافت: ۴۰۰/۰۷/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۱۱/۱۳)

ندارد و زن و مرد باتقوا پیشگی می‌توانند مراحل فعلیت خود را بدون هرگونه تبعیض، پشت سر گذارند. فعالیت اجتماعی نیز برای زن، با رعایت حدود اسلامی، جایز و در برخی موارد، لازم و ضروری است. این نگاه، افزون بر مطابقت با عقل، برگرفته از آیات قرآن و روایات است.

**کلیدواژه‌ها:** تفاوت جنسیتی، زن، آیت‌الله جوادی‌آملی، بن باز، امامیه، وهابیت.

مسئله زن، اگرچه موقعیتی مستقل از انسان‌شناسی ندارد؛ اما نادیده‌انگاری‌ها در حوزه ارزش‌های او و نگاه‌های جنسیت زده، سبب شده که این مسئله، به صورت خیرخواهانه یا باهدف تبلیغ و شعار، منزلتی خاص پیدا کند. با تمام دیدگاه روشنی که اسلام درباره جایگاه زن دارد، هنوز در میان برخی اندیشه‌های منتسب به اسلام، زن، موقعیت شایسته و حقیقی خود را نیافته است. امروزه که بحث زن، با ماهیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و دینی در محافل داخلی و خارجی؛ در زمره مباحث مهم روز، قرار گرفته است و بخش عظیمی از گفتارها و نوشتارها را به خود، اختصاص داده، شایسته است که نگاه اصیل و انسانی اسلامی به زن، تبیین و تحلیل شود و نگاه‌های افراطی و تفریطی منتسب به اسلام، از دور، خارج شود.

حضور رو به رشد اندیشه‌های وهابیت در جوامع مدنی و نیز ادعای اسلام اصیل، از سوی بزرگان این فرقه، زمینه‌ای شد تا بتوان بر پایه تطبیق و تحلیل دیدگاه وهابیت و امامیه درباره زن، در فضایی به دور از تعصب و غرض‌ورزی، به افراط، تفریط یا اعتدال صاحبان اندیشه پی برد. مسئله زن، دارای ابعاد مختلفی است و با رویکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... قابل بررسی است. رسالت این نوشتار آن است که اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی به نمایندگی از تفکر شیعه امامیه و مفتی بن‌باز از شخصیت‌های بارز وهابیت را پیرامون تأثیر تفاوت جنسیتی بر فعلیت انسانی و فعالیت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. از میان مطالعات به عمل آمده پیرامون این مسئله، تحقیق و پژوهش مستقلی به چشم نمی‌خورد؛ با این حال می‌توان به آثاری اشاره نمود که تا حدی به این مسئله، قرابت دارند؛ از آن جمله:

- مقاله «حدود آزادی فعالیت زن از دیدگاه وهابیت»، به قلم اعظم رضایی که در شماره ۷۴ مجله مطالعات راهبردی زنان.

- پایان نامه «بررسی تطبیقی دیدگاه مفتیان وهابیت و امام خمینی (ره) پیرامون زن»، به قلم فاطمه رئوفی تبار در سال ۱۳۹۳.

آنچه این پژوهش را از سایر نگارش‌های مشابه، متمایز می‌دارد؛ بررسی مقایسه‌گونه‌ای از نظرات دو تن از شخصیت‌های بزرگ امامیه و وهابیت در مسئله تأثیر تفاوت‌های جنسیتی در فعلیت انسانی و فعالیت اجتماعی است که با روش تطبیق و مقایسه، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و در قلمرو کلام و فرق اسلامی، گردآوری شده است.

#### تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها

تفاوت‌های جنسیتی در نوع واحد انسانیت؛ دو صنف بزرگ مرد و زن یا مؤنث و مذکر را به دنبال دارد. تأثیر هر یک از این دو صنف بر درجات انسانیت، شامل: انسان‌تر شدن یا کم‌بهرگی از انسانیت، نیازمند تحقیق و بررسی است؛ چراکه امروزه، به‌رغم شیرین‌گفتاری گروه‌های مختلف فکری پیرامون مقام زن و ارزش‌های او، هنوز در عمل، موجودی طفیلی و دست‌دوم به شمار می‌رود که تنها حضور او برای کسب‌رأی یا بالا بردن آمار، کاربرد دارد. با وجود آنکه منابع دینی و عقل سلیم، هیچ مدرکی در انسان‌تر بودن مرد، ارائه نکرده است؛ اما پابندی سرسختانه به این تفکر در عده‌ای، سبب شده که شمار زیاد آیات و روایات را نادیده گرفته و بر عقل سلیم، چشم‌بربندند و در پی یافتن یا ساختن مدرکی بر مدعیات خویش باشند. عوامل دیگری چون بی‌توجهی به بعد اصلی انسانیت؛ یعنی روح و نفس، غلبه

نگاه جنسیتی، تعصب به تفکر جاهلی، عدم شناخت ارزش‌ها، ضد ارزش‌ها و نیز نگاه ظاهر بسنده به نقل، باعث تفاوت عملکرد با گفتار در عده‌ای گردیده است. در این مجال، تأثیر تفاوت‌های جنسیتی بر ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها از نگاه وهابیت و امامیه با محوریت دیدگاه مفتی، بن‌باز و آیت‌الله جوادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، بسته به حدود و قلمرو آن از طریق عقل و نقل، شناسایی می‌شوند. در بیشتر موارد، عقل به تنهایی می‌تواند حسن و قبح و ارزش و ضد ارزش را درک کند؛ چنانچه جهل، ظلم، ذلت و عصیان را قبیح و علم، عدل، عزت و طاعت را حسن و ارزش می‌شمارد. این امور، مستقلات عقلیه نام دارند که عقل به تنهایی در شناسایی آن، تواناست. افزون بر آن، ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی نیز هستند که بدون کمک وحی و نقل، درک نمی‌شوند و اگرچه تقابل و ضدیتی با عقل، ندارند؛ اما عقل را بدان راهی نیست و برای درک آن، به منبعی قوی‌تر نیاز است. احکام و آداب دینی، در زمره این امور هستند. سؤال اصلی در این بخش، آن است که آیا جنسیت بر شناخت و عمل به ارزش‌ها و ضد ارزش‌های عقلی و دینی، تأثیری دارد؟

به‌طور کلی در میان آرای مفتیان وهابیت، پیرامون تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها دو رویکرد به چشم می‌خورد:

۱. در رویکرد نخست، زن، همچون مرد؛ موجودی انسانی است که در خلقت و آفرینش، جایگاهی مساوی و هم‌تراز با مرد دارد. این تلقی بر اساس روایتی است که زن را همسان و هم‌وزن مرد می‌داند. (ترمذی، ۱۴۲۳: ۶۵) این نگاه، در میان روشنفکران سعودی؛ همچون: زکی‌یمانی، وزیر نفت سابق عربستان سعودی و سهیله‌زین‌العابدین حماد، عضو اتحادیه جهانی زنان جریان دارد. (زکی‌یمانی، ۱۳۸۵:

۱۴ و زین‌العابدین حماد، ۱۴۲۴: ۱۹۸) در این دیدگاه، زن همچون مرد، دارای ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی است که جنسیت، تأثیری بر آن نخواهد گذاشت.

۲. رویکرد دوم که به نظر می‌رسد در پی حدیثی منتسب به پیامبر شکل گرفته است، نگاهی متفاوت را ارائه می‌دهد. بر این اساس، زن، از بخش نهایی دنده چپ مرد، خلق شده و همین مسئله، سبب بروز رفتارها و گفتارهای غیر ارزشی در زنان شده است. بن‌باز، از جمله کسانی است که این حدیث را صحیح دانسته و به واسطه ابوهریره از شیخین نقل می‌کند که: «زنان را به خوبی سفارش کنید، پس همانا آنان از استخوان دنده آفریده شده‌اند و کج‌ترین دنده‌ها، بالاترین آن‌هاست». (الجریسی، ۱۴۳۲: ۱۳۹۳) دیدگاه بیشتر مفتیان وهابی، نگاه اولیه و بدون تفسیر و تأویل از حدیث پیامبر است. آن‌ها دلیل برخی رفتارهای غیر ارزشی در زنان را به دلیل نوع خلقت آن‌ها می‌دانند و از این جهت، جنسیت را در ارزش‌ها و غیر ارزش‌ها دخیل می‌کنند.

پیرامون ارزش‌های دینی و جایگاه زن در مقام بندگی نیز، قائلین به رویکرد دوم، با استناد به روایتی از نبی مکرم اسلام ﷺ، زنان را دارای ایمان و عقل ناقص می‌دانند. (بخاری، ۱۴۲۷: ۸۸/۱)

بن‌باز پس از نقل حدیث و بسندگی به ظاهر آن، بدون هرگونه تفسیر و تأویلی، زن را دارای ایمان و عقلی ناقص می‌داند؛ اما ظاهر سنگین عبارت و پرسش‌های پیش رو، او را به توجیه حدیث وامی‌دارد. او معتقد است که زن به واسطه داشتن نقایص خود در عقل و ایمان، مواخذه نمی‌شود؛ چراکه این ناتمام‌ها، به وسیله شرع، حاصل شده است. او، این مسئله را یاری خدا برای زن می‌داند تا امور را برای او آسان

نماید. روزه، در هنگام عادت ماهیانه، برای زن، مضر است و خداوند بارحمت خود، ترک روزه را مشروع نموده است. خواندن نماز و به جا آوردن قضای آن نیز بر زن واجب نیست؛ چراکه نماز در شبانه روز، پنج بار تکرار می شود و قضای آن، مشقت بار خواهد بود. (المسند، ۱۴۱۴: ۱۸۹-۱۹۱)؛ اما همچنان جای این سؤال باقی است که چرا زن باید دارای این نواقص باشد؟ و چرا خداوندی که عین کمال است و جز کمال از او صادر نمی شود، موجودی را با نقصان در عقل و ناتوان در ایمان، می آفریند، درحالی که به اعتراف بن باز، زن، هیچ نقشی در نقصان ندارد و از این جهت، مواخذه ای نیز نخواهد داشت؟

بن باز، جنسیت را در امور ارزشی دینی و غیردینی، مؤثر می داند و معتقد است که زن، به دلیل خلقت طفیلی و درجه چندی خویش و نیز نواقصی که بر اساس روایت، در عقل و ایمان خود دارد- اگرچه مواخذه ای را سبب نمی شود- در امور ارزشی، مقامی، پایین تر از مرد خواهد داشت. به جز بن باز، در آثار مفتیان دیگری از وهابیت، همچون: الطیار، عضو جمعیت فقهی عربستان، این ارزش گذاری به چشم می خورد. او در کتاب خویش، با استناد به روایتی از پیامبر ﷺ، زنان را از بیشترین تشکیل دهندگان جمعیت جهنم می داند و نتیجه می گیرد که غلبه هوا و هوس بر زن، میل به زینت های دنیا و بازداشتن او از آخرت به دلیل نقصان عقل، سبب این کثرت جمعیت است. (الطیار، ۱۴۳۲: ۳/ ۷۲۰)

در میان امامیه به ویژه اندیشمندان عصر حاضر، مسئله زن به مسئله ای تخصصی تبدیل شده است و نگاه جامع به این مسئله سبب شده که مطالعات زن و مسائل پیرامونی آن به یکی از رشته های تخصصی در حوزه و دانشگاه تبدیل شود. با این وجود،

اندیشمندان امامیه از فقیه تا فیلسوف و متکلم، در کتب خود، به مناسبت‌های مختلف از زن و مسائل پیرامونی او سخن گفته‌اند. آیت‌الله جوادی از جمله اندیشمندانی است که به مسئله زن، توجهی ویژه داشته و کتابی مستقل درباره شخصیت و ویژگی‌های زن نگاشته است. او بر اساس آیات قرآن معتقد است که زن و مرد را نباید از چهره ذکورت و انوئت شناخت؛ بلکه باید چهره انسانی او را مورد توجه قرارداد. حقیقت انسان را روح، تشکیل می‌دهد و انسانیت انسان را جان او تأمین می‌کند؛ نه جسم و بدن. اگر جسم، نقشی در انسانیت انسان داشت، می‌توان از مذکر و مؤنث بودن سخن گفت؛ اما حقیقت انسان را روح تشکیل می‌دهد که فاقد هرگونه جنسیت است؛ بنابراین، تفاوت جنسی انسان‌ها در مسائلی که به حقیقت انسان ارتباط دارد، سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود و معنایی نخواهد داشت. (جوادی، ۱۳۹۴: ۱۸۷)

قرآن کریم در بیان ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها؛ قرینه‌ای بر اختصاص ارزش و ضد ارزش در جنسیتی خاص، ندارد؛ چراکه موصوف این اوصاف، بدن نیست. اندیشه و علم، وصف عقل نظری؛ کشف و شهود، کار دل و فجور و تقوا، وصف جان است. (جوادی، ۱۳۷۸: ۷۸-۸۰) همچنین در بعد ارزش‌های دینی و خطاب‌های الهی، قرآن کریم، کمالات انسانی را در شناخت مبدأ، معاد و وحی و رسالت شناسی می‌داند. ارزش‌های دینی، بر این سه اصل، نظارت دارد و مذکر یا مؤنث بودن، در شناخت آن، هیچ مانعی ایجاد نمی‌کند. انبیاء نیز که در این مسیر، هدایت‌کننده و دعوتگر بوده‌اند، هیچ‌گاه برای جنسیتی خاص، دعوت‌نامه نفرستاده و جنسیت خاصی را محروم نکردند: «من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.» (یوسف/۱۰۸)



به‌طور کلی، آیات قرآن با توجه به مسئله تفاوت جنسیتی، به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. آیاتی که به صنف خاصی، اختصاص ندارد و از واژه‌هایی چون: ناس، انسان، من و... استفاده نموده است.
۲. آیاتی که در آن از ضمیر جمع مذکر سالم یا لفظ مردم استفاده شده است. این نوع کاربرد کلمات، بر اساس فرهنگ‌محاوره شکل می‌گیرد و مراد از آن، صنفی در برابر زنان نیست؛ بلکه به معنای توده مردم است؛ بنابراین نمی‌توان از تعبیرهای رایج در ادبیات و فرهنگ‌محاوره، جنسیت زدگی و مذکرگرایی قرآن را نتیجه گرفت.
۳. آیاتی که در آن، به نام زن و مرد تصریح شده است و وجود هیچ تفاوتی میان زن و مرد را بر نمی‌تابد؛ مانند: «من عمل صالحا من ذکر او انثی فلنحیینه حیاه طیبه». (نحل/۹۷). در این آیه تصریح شده است که قرآن برای تهذیب روح است و هنگام عبادت و تقرب، بدن زن و مرد، در ارزش عبادت، نقشی ندارد. (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۰۰-۱۰۲)

بر این اساس، از دیدگاه بن‌باز، جنسیت بر ارزش‌های اخلاقی و دینی مؤثر است و نقص زن در عقل و دین و نیز خلقت خاص او، سبب شکل‌گیری جبر گونه ضد ارزش‌هایی در او می‌شود؛ اما از نظر آیت‌الله جوادی، این روح است که موصوف ارزش‌ها و ضد ارزش‌هاست و جنسیت در این مسئله، جایگاهی ندارد. باین حال، یکی از شبهاتی که همواره پیرامون مسئله زن، طرح گردیده، مضمون روایتی است که عقل و ایمان زن را ناقص می‌داند. این روایت در منابع شیعه به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام و در منابع اهل سنت به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است. آیت‌الله جوادی در پاسخ به این شبهه، معتقد است که گاهی، حادثه و موضوعی، در اثر سلسله‌ای از عوامل تاریخی، زمانی، مکانی، شرایط و علل و اسباب؛ موردستایش یا نکوهش قرار

می‌گیرد؛ اما این امر، سبب نمی‌شود که اصل و طبیعت آن چیز، ستایش یا مذمت شود؛ بلکه احتمال دارد تنها در همان زمینه خاص، ارزش‌گذاری صورت پذیرفته باشد. به نظر می‌رسد بخشی از نکوهش‌های نهج‌البلاغه درباره زن نیز، به جریانی خاص اشاره دارد. این روایت، به‌عنوان یک قضیه شخصیه یا خارجیه و در پی جنگی است که عایشه، آن را مدیریت می‌نمود. حضرت، این سخن را زمانی فرمودند که عایشه، جنگ‌جمل را به راه انداخت و طلحه و زبیر را نیز تحریک کرد تا همراهی‌اش کنند و خون‌های فراوانی ریخت و سرانجام شکست خورد. (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۶۸) آنچه گذشت یکی از تحلیل‌های روایت است؛ اما با توجه به آنکه این حدیث، در منابع اهل سنت، به نقل از پیامبر ذکر شده است، به پاسخ عمومی‌تری نیاز دارد تا هر دو سند را در برگیرد.

در قسمت اول روایت، علت نقصان عقل زن را مساوی بودن شهادت یک مرد با شهادت دو زن دانسته‌اند. آیت‌الله‌جوادی، در تفسیر این بخش از روایت می‌گوید؛ شهادت دو زن، برابر شهادت یک مرد است؛ اما نه از این جهت که دارای عقل و درکی ناقص است؛ بلکه از این جهت که در تشخیص، اشتباه می‌کند. زن، مشغول کارهای خانه، تربیت کودک و مشکلات مادری است و ممکن است صحنه‌ای را که دیده فراموش کند، بنابراین لازم است دو نفر باشند تا وقتی، یکی فراموش کرد، دیگری او را متذکر کند. علاوه بر آن، شهادت، امری مبتنی بر حس و مشاهده است و حضور و شهود زن در برخی مکان‌ها محدود و محذور است. آنچه در مرد و زن متفاوت است، عقل اجتماعی است که در نحوه مدیریت مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی، تجربی و... تأثیرگذار است و اگر برفرض اثبات شود که عقل مرد، بیش از زن است، این سؤال

وجود خواهد داشت که آیا این عقل، همان است که معیار برتری و فضیلت انسانی است. به عبارتی، عقلی که موجب تقرب به خداوند می‌شود، همان عقلی است که پیامبر، آن را مایه کسب بهشت و رضایت خداوند رحمان خوانده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۴۶)

بنابراین، اگر کسی در مسائل سیاسی، علمی، اجرایی و... دارای اندیشه‌ای برتر باشد، نشان از تقرب او به خداوند نیست و فضیلتی زائد در او به حساب می‌آید و چه بسیارند افرادی که با وجود این خصیصه، توان عقال و کنترل‌گرایز خویش را نداشتند، چنانچه بیشتر مخالفان انبیاء و جاعلان مذاهب ساختگی از زمره مردان بوده‌اند. (جوادی، ۱۳۷۸: ۲۴۹-۲۵۹) برتری عقلی مرد بر زن، نقصی برای زن به حساب نمی‌آید، چنانکه برتری عاطفی زنان بر مردان، کاستی برای مرد نیست. این تفاوت، تنها برای استحکام پیوند خانواده و جامعه است. (جوادی، ۱۳۹۱: ۵ / ۴۳۴).

آیت‌الله جوادی معتقدند که در برابر دیدگاه قائلین به عدم‌همتایی زن و مرد در ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها و استناد آن‌ها به قسمت دوم روایت که به نقصان ایمان زن اشاره دارد، باید ادعا نمود که اگر زن، در ارزش‌های ایمانی و دینی خود از مرد، موفق‌تر نباشد؛ حداقل، همتای او خواهد بود؛ چراکه دستورات الهی و برنامه‌های دینی، مخصوص کسانی است که توان گام برداشتن در صراط‌آزادی را داشته باشند و هر کس، آمادگی بیشتری داشته و به هدف، نزدیک‌تر باشد؛ برنامه‌های دینی برای او مناسب‌تر است؛ بنابراین، می‌توان ادعا نمود که توفیق زن، بیش از مرد یا همانند اوست؛ زیرا شش‌سال، پیش از این‌که مرد، به تکلیف برسد؛ خداوند، زن را به حضور می‌پذیرد و با او هم‌سخن می‌شود. در این هنگام، مرد، نوجوانی در حال بازی و

سرگرمی است. با توجه به آنکه روایت، دلیل نقصان ایمان را محرومیت او از نماز و روزه در ایام عادت ماهیانه می‌داند، تقدم شش‌ساله حضور زن در پیشگاه خداوند و نیز به‌جا آوردن قضای روزه‌ها پس از عادت، جبران‌کننده خواهد بود. همچنین، بر اساس احکام اسلامی، اگر زن در زمان عذر شرعی هنگام نماز در مصلاهی خود، رو به قبله کند و به‌قدر مدت‌زمان اقامه نماز، ذکر بگوید؛ ثواب نماز را نیز از آن خود می‌کند؛ چنانچه مسافر نیز دو رکعت ساقط‌شده در سفر را با تکرار تسبیحات اربعه، جبران می‌نماید. (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۷۷-۳۸۲)

### تأثیر جنسیت بر فعلیت انسانی

فعلیت، عنوانی فلسفی، در برابر قوه و به معنای این است که آثار وجودی متناسب با مرتبه‌ای که موجود، در آن قرار گرفته، بروز یابد، بنابراین برای شناخت فعلیت انسانی، نخست باید مفهوم انسان را تحلیل نمود تا مشخص شود میزان انتظار از موجودی به نام انسان چیست و سپس، قضاوت نمود که آیا او آثار انسانی و فعلیت خود را بروز داده است یا خیر؟

از نظر فرهنگ قرآنی، انسان، حی متألّه است. در این تعریف، جنس انسان، حی و جامع حیات گیاهی، حیوانی و انسانی مصطلح (حیوان ناطق) است و فصل اخیر آن، «تألّه» دانسته شده؛ یعنی خداخواهی مسبوق به خداشناسی و ذوب شدن در الوهیت خداوند. اگرچه در فلسفه، فصل‌اخیر انسان، نطق بیان‌شده است؛ اما اگر کسی، اهل ابتکار، صنعت و سیاست باشد و همه این امور را در خدمت هوای نفس، قرار دهد؛ در ادبیات قرآنی آن، «انعام» و در زمره چهارپایان است. (فرقان/۴۴)

از نظر قرآن کریم، انسان حقیقی، کسی است که در محدوده حیات حیوانی و طبیعی

توقف نکند و انسانیت خود را در محدوده نطق و تفکر، محدود نسازد؛ بلکه حیات الهی و جاودانی و خداخواه فطری خویش را به فعلیت برساند و مراحل تکامل انسان را تا مقام خلافت و مظهریت اسمای حسناى الهی بپیماید. (جوادی، ۱۳۹۵: ۱۵۰)

در هر تعریفی، جنس، مشترک بین انواع مختلف است و می تواند صورت های مختلفی را بپذیرد؛ اما فصل، مایه تمایز بین اجناس مشترک است و فعلیت موجود را مشخص می کند؛ بنابراین برای شناخت هر موجودی، لازم است که فعلیت آن شناخته شود تا حقیقت موجود، کشف شود. به عنوان مثال، خاک، ماده ای است که صور گوناگونی را پذیراست و می تواند به صورت درخت، معدن، انسان و حیوان های متفاوت شکل گیرد. اندیشمندان حکمت الهی، تفاوت جنسیتی و تذکیر و تانیث را از شئون ماده شیء می دانند و به اعتقاد آن ها، این دو امر در صورت و فعلیت شیء، بی تأثیر است. نشانه این امر، آن است که مرد و زن بودن، به انسان؛ مختص نیست و حیوانات و حتی گیاهان نیز دارای صنوف مذکر و مؤنث هستند؛ بنابراین، بر اساس قواعد منطقی، آن چیزی که در مراتب پایین تر از انسان (حیوانات و گیاهان) دارای آن باشند، مختص انسان و فعلیت او نیست؛ چراکه اگر به صورت انسان بازگشت داشت، هرگز مراتب پایین تر از انسان، آن را واجد نبودند. (جوادی، ۱۳۷۸: ۲۴۴) قرآن کریم می فرماید: «و از هر چیزی، جفت آفریدیم تا شاید شما عبرت بگیرید.» (ذاریات/۴۹)

بنابراین، از دیدگاه آیت الله جوادی، برای تشخیص تأثیر تفاوت جنسیتی در فعلیت انسانی، نخست لازم است فعلیت انسانی شناخته شود. بر اساس آیات قرآن، انسان، حی متاله است و زمانی به فعلیت انسانی می رسد و در انسانیت خود، بالفعل

می‌گردد که آثار حی متاله را از خود بروز دهد. تفاوت‌های جنسیتی که از امور مربوط به بدن و فیزیک انسان‌ها می‌شود، مربوط به بخش مشترک و ماده همه انسان‌هاست و فصل که فعلیت انسانی به آن وابسته است، هرگز از تذکیر و تانیث تأثر نمی‌پذیرد؛ بنابراین، تفاوت‌های جنسیتی، در فعلیت انسانی تأثیری نخواهد داشت.

آیات متعددی از قرآن کریم، مؤید همین معناست: هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دانند، خواهیم داد.» (نحل/۹۷) بنا بر آیه شریفه، برای کسب علوم و معارف الهی، اعمال صالح و به‌طور کلی، برای وصول به هر کمالی، جنسیت، نه شرط و نه مانع است. (جوادی، ۱۳۹۳: ۹۳) و اسلام بر ارزش‌های حقیقی، توجه دارد که در جان بشر ریشه نموده است و عامل بقای شخصیت، شکوفایی معنویت و مایه تقرب الهی است؛ اما تمایزهای موهوم مادی؛ همچون تغایرهای برخاسته از جسم؛ نظیر زن یا مرد بودن، شوهر یا زن بودن، فقر و غنی و... را لغو و بی‌اساس می‌داند: «عمل هیچ کس از مرد و زن را بی‌مزد نمی‌گذارم.» (آل عمران/۱۹۵)

در آیه شریفه، سخن از این است که هرگونه تأثیر جنسیتی و تفاوت در فعلیت انسانی و ارزش‌های دینی، در بارگاه خداوند، جایگاهی ندارد؛ چراکه ذکورت و انوئت، در روح انسانی، راه ندارد و میان مرد و زن در وصول به حیات طیبه، تفاوتی نیست؛ اگرچه اثبات عدم تفاوت به معنی تساوی نخواهد بود. (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۳۸۶) خداوند، فارغ از همه اختلافات، تنها تقوا را معیار تفاوت و تمایز برمی‌شمارد. (حجرات/۱۳)

در میان آثار بن‌باز، نگاه فقهی به زن و جنس مؤنث، بر دیگر مسائل، غلبه دارد و در بیشتر موارد، این نگاه فقهی، با محوریت چند حدیث خاص و با رویکرد ظاهرگرایی و تقدیم نقل بر عقل همراه بوده است و همین امر سبب شده جانب اعتدال، در ارائه شخصیت زن، رعایت نشود و او، تنها با استناد به دسته خاصی از روایات، معرفی شود. ممکن است سخن گفتن از نقصان عقل و دین زن در علم حدیث، توجیه‌پذیر باشد؛ اما بسندگی به ذکر این مباحث در کتب فقهی، مناسبی نخواهد داشت. در واقع، می‌توان گفت که سرنوشت زن در آثار مفتیانی چون بن‌باز، در چند حدیثی خلاصه شده که به مذمت زن پرداخته است و آیات متعدد قرآن در عدم تفاوت جنسیتی و حتی سیره نبوی، نادیده گرفته شده است. در این صورت، بی‌راه نیست اگر نگاه او به انسانیت را نگاهی، جنسیت‌زده و بدون توجه به نفس و روح که حقیقت اصیل انسانی است؛ دانست. از این منظر، دستیابی به فعلیت انسانی و وصول به مقام حی متاله بالفعل، برای زن، ناممکن خواهد بود؛ زیرا نمی‌توان با نقصان عقل و ایمان و مملو بودن جهنم از جمعیت زنان به مقام حی متاله دست پیدا کرد. (الطیار، ۱۴۳۲: ۷۲۰/۳) تنها توجیه بن‌باز، در مسئله نقصان ایمان عقل، این بود که زن با وجود نقایصی که دارد، مواخذه نخواهد شد. (مسند، ۱۴۱۴: ۱۸۹) این پاسخ، ممکن است معذوریت زن در مقام وظایف شرعی را توجیه کند؛ اما فعلیت انسانی او چگونه میسر خواهد شد؟ آیا این نقصان که به عقیده بن‌باز، به وسیله خداوند بر زن تحمیل شده است، مانع از فعلیت انسانی او نمی‌شود؟ و چگونه ممکن است با عقل و ایمانی ناقص، به مقام حی متاله رسید؟ علاوه بر آن، بن‌باز با استناد به آیه «الرجال قوامون

علی النساء<sup>۱</sup> معتقد است که جنس مرد، برتر از جنس زن است و دلیل این تفسیر را حدیث دال بر نقصان عقل و دین زن می‌داند. (سند، ۱۴۱۴: ۱۹۰) به نظر می‌رسد بن‌باز، با محور قراردادن این حدیث در مقام زن، بر همه آیات و روایت دیگر، چشم‌بسته است و به جای تأویل و تفسیر روایت بر اساس مبانی قرآنی و سیره‌نبوی؛ آیات قرآن و سیره را به مطلوب خود و چند روایت، مصادره نموده است. ثمره آنچه در آثار بن‌باز درباره زن آمده است، چیزی جز نادیده گرفتن فعلیت انسانی او و زیر سؤال بردن عدل خداوند در پی ایجاد موانع خدادادی؛ چون نقص عقل و ایمان نخواهد بود. همچنین، نگرش جنسیتی به زن و نادیده گرفتن جنبه انسانی او در همه ارزش‌ها، نشان‌گر نگاه تک‌بعدی و مادی‌نگر این مفتی‌وهابی، به موجودی است که همچون مرد، دارای روح و شخصیت انسانی است و این نوع نگرش، چیزی جز فراموشی اصل شخصیت انسانی و روح را به دنبال نخواهد داشت. در مقابل این نگاه، آیت‌الله جوادی، قوامیت را نه نشان برتری و افضلیت مرد بر زن که حاکی از مسئولیت و وظیفه‌ای اجرایی می‌داند که خداوند بر عهده مرد قرار داده است. بر این اساس، خداوند، با این پیام، زن را تحت فرمان مرد قرار نداده است؛ بلکه وظیفه سرپرستی منزل و برطرف کردن نیازهای زندگی زن را بر عهده مرد گذاشته است؛ چراکه زن، امانتی است که خداوند، حفظ و دفاع از وی را بر عهده مرد قرارداد است، همان‌طور که وظیفه تأمین هزینه و نفقه زن را بر عهده او نهاده است. (جوادی، ۱۳۹۳: ۵۴۵/۱۸) علاوه بر آنکه اگر زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به‌عنوان دو صنف مطرح باشند، هرگز مرد، قوام و قیم زن نخواهد بود. قیمومیت درجایی است که زن



در مقابل شوهر باشد که این نیز نشان از کمال و تقرب الی الله مرد نیست. (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۹۱)

### تأثیر جنسیت بر فعالیت اجتماعی

انسان، موجودی است که برای پاسخگویی به نیازهای گوناگون خود، به حضور در اجتماع نیاز دارد. اسلام به عنوان دینی که وظیفه خود را پاسخگویی به نیازهای روحی و جسمی انسان می‌داند، با تأیید روابط سازنده اجتماعی، برخی اصول آن را نیز پایه‌گذاری نموده است. افراد بشر، از جهت اجتماع مدنی، دارای حقوقی مساوی هستند و تنها تفاوت آن‌ها در حقوق اکتسابی است که به کار، وظیفه و تکالیف آن‌ها وابسته است. زن نیز از این حق انسانی، بی‌بهره نیست و اسلام از حضور زن در اجتماع تا زمانی که به فساد و بی‌اخلاقی منجر نشود، نهی نمی‌کند. (توبه/۷۱)

این آیه با یادکرد زنان مؤمن در کنار مردان مؤمن، از وظیفه‌ای اجتماعی به نام امر به معروف و نهی از منکر نام می‌برد که هم زن و هم مرد، در اجتماع انسانی، به آن اهتمام می‌ورزند.

با پیشرفت علوم و صنایع، میدان فعالیت‌های اجتماعی از گستردگی و تنوع زیادی برخوردار شده است؛ اما به‌طور کلی فعالیت‌های اجتماعی را در چند بخش عمده می‌توان تقسیم نمود: ۱. اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی، ۲. فعالیت‌های سیاسی، ۳. فعالیت‌های علمی و فرهنگی.

#### ۱. اشتغال و فعالیت اقتصادی

لازمه اشتغال و فعالیت اقتصادی، حضور در اجتماع نیست و مشاغل فراوانی هستند که بدون حضور در اجتماع، انجام‌پذیر است؛ اما اشتغال مورد نظر در بحث حاضر،

شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی است که به حضور فعال فرد در اجتماع، وابسته است. فعالیت زن در این عرصه، همواره، پذیرای اختلاف‌های عمده‌علماء و فقهای مذاهب اسلامی بوده است. در این میان، وهابیت، مخالفت و تحریم اشتغال در محیط‌های مختلط و ترکیبی از زن و مرد را بر همه نظرات، ترجیح داده‌اند. بن‌باز، معتقد است که کار زن در محیط اجتماع، صراحتاً و تلویحاً به اختلاط و خلوت منجر می‌شود که این امر، خطرات جدی و تبعات ناپسندی را به دنبال دارد و از آن نهی شده است. او، اشتغال زن در اجتماع را عملی مخالف با نصوص شرعیه‌ای می‌داند که به زن امر نموده در خانه بماند و به کارهای منزل، اهتمام بورزد. بن‌باز با استناد به آیات ۳۳ و ۵۹ سوره احزاب و آیه ۳۱ سوره نور، معتقد است که ادله صریحی بر تحریم خلوت با نامحرم، نگاه به او و اموری که به حرام می‌انجامد، دلالت دارد. این آیات، فساد، تضعیف خانواده و تخریب اجتماع را نتیجه اختلاط زن و مرد می‌دانند. (المسند، ۱۴۱۴: ۱۹۴)

العک، یکی دیگر از مفتیان وهابیت نیز، تنها محل کار زن را خانه او می‌داند و می‌گوید؛ زن نمی‌تواند به‌جز موارد ضروری از منزل، خارج شود و کارهای منزل، تا اندازه‌ای وقت‌گیر و زیاد است که فرصتی برای کار بیرون از منزل نخواهد ماند. (العک، ۱۴۱۳: ۳۶) الطیار نیز به‌طور کلی، کار و خروج زن از منزل را بدون ضرورت، جایز نمی‌داند. (الطیار، ۱۴۳۲: ۱۳ / ۹۶۵) به اعتقاد بن‌عثیمین نیز، کار کردن در محل‌های حضور مردان، مستلزم اختلاط و فتنه‌عظیم است؛ از این جهت، احراز از آن واجب است و برای زن، جایز نخواهد بود. (بن‌باز، بی‌تا: ۲۲۷)

به‌طور کلی، معیار حضور اجتماعی زن از دیدگاه وهابیت در همه عرصه‌ها،

عدم اختلاط و همراهی با مردان است و چون در بیشتر موارد، اجتماع، خالی از حضور مردان نیست؛ زن نمی‌تواند محیط بیرون از منزل را تجربه کند. از دیدگاه بن باز، تنها صورت حضور اجتماعی زن باهدف اشتغال در جامعه، اختلاط و فساد است. این درحالی است که می‌توان صور دیگری از اشتغال زن در اجتماع را در نظر گرفت: اشتغال در محیط‌های غیر مختلط و مختص به زنان، اشتغال در محیط‌های مختلط بدون برخوردهای غیرضروری و فساد گونه زن و مرد و ... .

آیت‌الله جوادی، بر اساس آیه قرآن که مرد را قوام بر زن می‌دانند؛ وظیفه تلاش برای مدیریت خانه و اداره امور اقتصادی را بر عهده مرد می‌دانند؛ از این جهت، لازم نیست زن برای خرج منزل، کار کند و وظیفه‌ای از این جهت، بر عهده او نیست (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۵۴۵)؛ اما اگر زنی، از راه اشتغال یا غیر اشتغال؛ همچون ارث، دیه و...، مالی را به دست آورد، محصول کار، به نحو استقلالی برای خود اوست و این تصریح آیه قرآن است که می‌فرماید: «هر یک از مرد و زن از آنچه اکتساب می‌کنند، بهره‌مند می‌شوند» (نساء/۳۲) این امر، از اهمیت استقلال اقتصادی زن و مخالفت با پندار جاهلیت نشان دارد که زنان را محروم می‌نمودند. (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۴۹۲ و ۱۹۳) تصدی امور اجرایی برای زن در امور نمایندگی و وکالت، محذوری ندارد (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۵۷) با این حال، حضور زن باهدف اشتغال در جامعه، همچون سایر فعالیت‌های اجتماعی او، دارای شرایطی است که در آیات قرآن نیز آمده است:

۱. مهم‌ترین وظیفه مرد در محیط خانه، تأمین نیازهای مالی، نفقه زن و فرزند و مدیریت خانواده است، در مقابل، وظیفه زن، اطاعت از همسر در امور زناشویی، تربیت فرزند، حفظ اسرار، حرمت و آبروی خانواده است؛ از این جهت، اشتغال زن و

هر نوع، حضور اجتماعی نباید به وظایف اصلی او؛ یعنی حقوق همسر و فرزندان، آسیب بزند. (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۵۴۶)

۲. اضافه بر شرط منافی نبودن حضور اجتماعی زن با حقوق همسر، اجازه او نیز برای خروج زن از منزل و اشتغال در محیط اجتماعی، لازم است؛ اگرچه زن می‌تواند با شروط ضمن عقد، دامنه وظایف خود و حقوق و اختیارات همسرش را محدود نماید. (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۸/۵۴۶)

۳. حضور زن در اجتماع با هر هدفی، باید بر اساس معیارهای اسلامی؛ همچون عدم تبرج و استفاده از زینت یا پوشش‌های نامتعارف، گفتار بدون ناز و کرشمه، التزام به پوشش اسلامی و دوری از فساد اجتماعی باشد. (جوادی، ۱۳۹۸: ۱۳۶)

اصل حجاب، به‌عنوان یکی از احکام مشترک بین مرد و زن، باهدف حضور اجتماعی آنهاست و این مسئله در محدوده‌خانه و خانواده، جایگاهی ندارد. به‌جز پوشش، مسائل دیگری، چون رفتارها و کیفیت تعاملات و سخن‌گفتن نیز از جمله اموری است که برای حضور اجتماعی زن، شرط شده است. عدم خضوع در گفتار و نازک نمودن و عشوه و ناز در صدا، ارتباط‌های گسترده و غیرضروری با نامحرم و... از جمله اموری است که سلامت حضور زن در اجتماع را به خطر انداخته و باید از آن پرهیز شود؛ اما همه این امور، تنها شرایطی برای حضور سالم زن در اجتماع و پرداختن به اشتغال است؛ نه دلایلی برای منع او از ورود به فعالیت‌های اجتماعی؛ همچون اشتغال. بن‌باز و دیگر هم‌اندیشان او، نتوانستند به‌خوبی، این دو امر را از یکدیگر تفکیک کنند و از این جهت، اشتغال زنان در جامعه را جایز نمی‌دانند.

این فتاوا، در دستور کار دولت سعودی نیز قرار گرفته است؛ چنانچه ملک‌فهد در

تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۹ درباره ممنوعیت مشاغل مختلط می‌گوید؛ حضور زن و مرد در عرصه کار، ممنوع است؛ زیرا امری حرام است و با عادات و رسوم شهرها منافات دارد. در صورتی که اداره‌ای، به واگذاری کارهای نامناسب با طبیعت زن یا محیط مختلط، اقدام نماید؛ مجازات خواهد شد. (حمد العباد البدر، ۱۴۲۸: ۲۶)

## ۲. فعالیت‌های سیاسی

نقش زن در سیاست، هم به صورت مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و رأی و نظر در سرنوشت جامعه و کشور خود و هم به نحو حضور در مدیریت‌های کلان سیاسی قابل بحث و بررسی است.

اللجنة الدائمة، در طی فتوایی اعلام کرده است که زن نمی‌تواند در مناصب قضاوت، امارت و حکمرانی، مشغول شود؛ چراکه سنت، مقاصد شریعت و اجماع، مخالف اتخاذ این مناصب توسط زن است. (الجریسی، ۱۴۳۲: ۱۹۵۰) دلیل این امر، دلالت روایتی از ابی بکره است که بر اساس آن، هنگامی که به رسول خدا ﷺ خبر رسید که پوران، دختر کسری؛ حاکم ایران زمین شده است، فرمودند: «قومی که زنی بر او حکومت کند، به رستگاری نمی‌رسد». (ترمذی، ۱۴۲۳: ۱۹۸). واژگان «امراه» و «قوم» از آنجاکه در سیاق نفی قرار گرفته است، ولایت را از زنان سلب می‌کند.

بن باز نیز به دلیل اعتقاد راسخ به نقصان عقل و ایمان زن، معتقد است که جنس زن بر جنس مرد به هیچ عنوان نمی‌تواند تسلط یابد و این مسئله، اختصاصی به زن و شوهر و محیط خانه و خانواده ندارد و حکمی کلی است. در رابطه با مشارکت زنان در انتخابات و حق رأی نیز، از آنجاکه در نظام سیاسی وهابیت و عربستان، مشارکت سیاسی برای مردم، تعریف نشده است، در رابطه با حق رأی زن نیز بحثی صورت پذیرفته

است. با این حال، از اندک نظرات طرح شده در این زمینه نیز به دست می آید که حضور زن در سازوکار انتخابات؛ استیلاي زن بر مرد و اختلاط را به همراه دارد و ممنوع است. دیگر آنکه، شواهد تاریخی نشان از آن دارد که زنان هیچ گاه در سرنوشت سیاسی خود، مشارکت نداشتند؛ چنانچه در واقع سقیفه بنی ساعده و در مجلس بیعت با ابی بکر، هیچ زنی در مسجد حضور نداشت. (حمد العباد البدر، بی تا: ۱۰)

در برابر نگاه جانب دارانه به حوادث تاریخی، شواهد متعددی به چشم می خورد که قرآن کریم، از فرمانروایی به نام ملکه سبا سخن می گوید که پیامبر خدا، حضرت سلیمان علیه السلام با او به مذاکره می پردازد و او با سیاستی مثالزدنی، مورد تأیید آیات قرآن قرار می گیرد. (نمل/۴۳) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز از نخستین روزهای دعوت پنهانی خویش، به مشارکت زنان در تعیین سرنوشت سیاسی، اهمیت فراوانی می دادند. خدیجه رضی الله عنها و سمیه آل یاسر از پیشتازان دین و بیعت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بودند. این در حالی است که بسیاری از مردان مدعی عقل و شجاعت، توان تشخیص حقیقت یا شهادت کنار گذاشتن تفکرات جاهلی خویش را نداشتند. (جوادی، ۱۳۷۸: ۲۹۴) نمونه دیگر از زنان دارای نبوغ و هوش اجتماعی صدر اسلام، سوده دختر عمار بن الاسک همدانی است که شرکت در صحنه های اجتماعی و سیاسی را وظیفه خود می دانست. او، پس از شهادت علی رضی الله عنه، برای ایراد شکایت از ستمگری های بسر بن ارطاه به دربار معاویه رفت. معاویه، او را شناخت و گفت؛ تو همانی نیستی که در جنگ، با اشعارت برادرانت را تشجیع می کردی؟! (ابن ابی طاهر، بی تا: ۱/۴۷) این نمونه یادآور این نکته است که زن می تواند در امور سیاسی، همچون مرد، دخالت کند و نیز برای او ممکن است که همچون مرد، حقوق پایمال شده خویش را از والیان امر، درخواست نماید.

دختر حرث بن عبدالمطلب نیز از جمله زنانی بود که در برابر حکومت اموی ایستادگی کرد و در مقابل معاویه، عمروعاص و مروان، در طی خطبه‌ای فصیح و موجز، به انتقاد از هیئت حاکم پرداخت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳/ ۲۶۰) اگر زنی، مرثیه بخواند، او را اهل رقت و عاطفه می‌خوانند؛ اما وقتی زنی سالخورده وارد دربار نیرومند امویان می‌شود و همه آن‌ها را محکوم می‌نماید؛ حضور سیاسی او را تفهیم می‌کند. (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۰۷) نمونه‌های دیگر حضور سیاسی زنان، در عرصه‌های جنگی است؛ زنانی چون: دختر حریش بن سراقه، دختر خالد بن سعید، دختر قیس بن ابی الصلت الغفاری و... که در امور تدارکاتی جبهه؛ همچون: رسیدگی به مجروحان، تدفین شهدا، تبلیغ و ترغیب و ایجاد شور و شوق در رزمندگان و... تأثیر قابل توجهی داشتند. (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۰۹-۳۲۰)

اضافه بر نمونه‌های تاریخی مذکور، در دوران معاصر نیز زنان در جامعه اسلامی ایران، با حفظ حدود و معیارهای حضور اجتماعی زن مسلمان، در تعیین سرنوشت کشور خود از طریق انقلاب علیه حکومت ظلم، حضور در انتخابات، تصدی مناصب مختلف اجرایی مشارکت فعال دارند.

از نظر آیت‌الله جوادی، تصدی امور اجرایی برای زن، نه تنها در کارهای کلان نمایندگی و وکالت، محذوری ندارد که تصدی امور خاص، به‌عنوان وصایت که به‌نوعی، ولایت بر موصی به تلقی می‌شود، رواست؛ چراکه ذکورت در این امور، شرط نشده است. (جوادی، ۱۳۷۸: ۳۵۷)

### ۳. فعالیت‌های علمی و فرهنگی

تعلیم و تربیت، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های علمی و فرهنگی است که از حقوق

انسانی زن و مرد به شمار می‌رود. از آنچه تاکنون سخن به میان آمد، معیارها و ملاک‌هایی برای حضور زن در جامعه به دست آمد. فعالیت‌های علمی و فرهنگی که در بستر جامعه شکل می‌گیرد؛ از این قاعده مستثنا نخواهد بود و ملاک و معیار هر کدام از دو اندیشمند در اینجا نیز پیاده می‌شود:

دین اسلام، به هیچ وجه، جنسیت را سد راه دانش‌اندوزی ننموده است و تفاوت جنسیتی نمی‌تواند مانع یا شرطی برای کسب دانش باشد. از منظر مفتیان و هابی از جمله بن‌باز نیز، تحصیل علم، امری جایز است؛ اما اگر برای کسب دانش، حضور اجتماعی، شرط باشد؛ لازم است معیارهای حضور اجتماعی زن، در اینجا نیز رعایت شود؛ بنابراین، زن باید دانشی را بیاموزد که با طبیعت زنانه او سازگار است و در محیطی حاضر شود که مردی در آن نباشد. (المسند، ۱۴۱۴: ۲۲۶) علاوه بر این شروط، بن‌باز معتقد است که حضور در محافل علمی در صورتی برای زن جایز است که هیچ‌گونه زینت و تبریجی به همراهش نباشد. (المسند، ۱۴۱۴: ۲۵)

بر اساس این فتاوا، تعلیم و تربیت زن نیز، همچون اشتغال او در اجتماع، دارای محدودیت است و اگر محیط زنانه برای تحصیل فراهم نباشد؛ زن نمی‌تواند از امکانات عمومی تعلیم و تربیت بهره‌بردار. تدریس و تعلم زن نیز در زمره اشتغال زن به حساب می‌آید و فرض تدریس زنان برای جنس مخالف، قطعاً مردود است.

از نظر آیت‌الله جوادی، فراگیری علم، بر دو قسم است:

قسم اول، سلسله‌علمی هستند که فراگیری آن‌ها بر هر فرد - چه زن و چه مرد - واجب است و از آن به واجب‌عینی تعبیر می‌شود. زن همچون مرد برای فراگیری این علم باید اقدام و تلاش نماید و اجازه همسر در این قسم، لازم نیست.



قسم دوم، علومی هستند که یادگیری آن، واجب کفایی است؛ یعنی اگر دیگران به قدر کافی برای یادگیری آن اقدام نمودند، فراگیری آن، به واجب عینی، تبدیل شده و بر زن نیز واجب است. در این قسم نیز زن می تواند با همسر خود شرط کند که وقتی از اوقات خود را صرف یادگیری نماید؛ چنانچه حضرت زینب کبری علیها السلام، در جریان ازدواج خود، این امر را در شروط ضمن عقد خویش آورد. (جوادی، ۱۳۷۸: ۴۲۲)

همچنین اگر زن بتواند به مقام تعلم و تدریس برسد و به نکاتی دست یابد که دیگران نرسیده اند؛ تدریس و تعلیم نیز بر او واجب عینی می شود و اگر هم زن و هم مرد، به مقام تدریس برسند؛ وجوب تعلیم جاهل، بر هر دو واجب کفایی است، نمونه اریخی این مسئله، خطبه تعلیمی فاطمه زهرا علیها السلام در آموزش حق اهل بیت علیهم السلام و استرداد خلافت و فدک بود. این خطبه در مسجد و با حضور مردان و زنان قرائت شد. (جوادی، ۱۳۷۸: ۴۰۴)؛ بنابراین، زن در اندیشه امامیه همچون مرد، موظف است که به تعلیم و تعلم پردازد و جنسیت در این مسئله، اثرگذار نخواهد بود، باین حال، از آنجاکه تدریس و تدریس به حضور اجتماعی گره خورده، باید و نبایدهایی که در حضور اجتماعی زن شرط شد، در این مسئله نیز جاری است: عدم برج و خودنمایی و استفاده از پوشش اسلامی، روابط ضروری با نامحرم و گفتار و رفتار اسلامی.

## نتیجه‌گیری

ظاهر بسندگی در برخورد با آیات و روایات از سوی وهابیت و به خصوص، بن‌باز که از مفتیان بزرگ و مطرح آن‌هاست؛ سبب شده که زن، تنها با محوریت چند روایت خاص، تعریف شود. مضمون این روایات، بر خلقت دست‌چندمی و طفیلی‌گونه زن حکایت دارد و او را موجودی دارای عقل و ایمان ناقص معرفی می‌کند. این دو خط، خلاصه‌ای از ترسیم زن در وهابیت است و درست، همان چیزی است که از کتب مختلف فقهی، روایی و حتی اجتماعی مفتیان وهابیت، منعکس می‌شود. بر اساس این نگاه، زن حتی در فعلیت انسانی خویش، ناقص است و با تسامح و تساهل، انسان نامیده می‌شود، به سان آنچه مولوی فرمود: شیر بی دم و سر و اشکم که دید؟/ این چنین شیری خدا خود نا آفرید. به عبارتی، نقصان عقل و ایمان، محوری‌ترین ویژگی زن است که او را از بسیاری کمالات، فضائل، ارزش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، منع می‌کند و سبب می‌شود که بیشترین جمعیت جهنم به زنان اختصاص یابد و هر کجا از محدودیت و ممنوعیت برای حضور زن، صحبتی به میان می‌آید؛ با نقصان عقل و ایمان، مستدل می‌شود. جای شگفت آنجاست که بن‌باز، این خصیصه محوری را خدادادی می‌داند که مواخذه‌ای را برای زن در بر ندارد و از نگاه او، محرومیت از کمالات اخلاقی، ممنوعیت حضور اجتماعی و...؛ مواخذه به شمار نخواهد آمد. در برابر این نگاه، شیعه امامیه، با پرهیز از نگاه جنسیتی به زن و مرد؛ نفس و روح انسانی را محوری‌ترین خصیصه بشر می‌داند و معتقد است که جنسیت، هیچ تأثیری بر فعلیت انسانی و کسب کمالات و ارزش‌ها نخواهد داشت. به تعبیر آیت‌الله جوادی، حقیقت انسان را روح، تشکیل می‌دهد و روح، فاقد جنسیت است. کمالات و

ارزش‌ها، وصف‌روح و نفس‌آدمی است و هیچ‌بدنی به صدق یا کذب و اوصافی از این قبیل، متصف نمی‌گردد. در بعد فعالیت‌های اجتماعی، هم آیت‌الله‌جوادی و هم بن‌باز، حضور اجتماعی زن را به شروطی مقید می‌دانند. آیت‌الله‌جوادی معتقد است که زن با حضور انسانی خویش می‌تواند در جامعه حضور یابد بدون آنکه خصیصه‌های جنسیتی خویش؛ همچون رفتار و گفتار زنانه را بروز دهد. بن‌باز، وجود برخی ویژگی‌های زنان، همچون تبرج، حضور در فضاهای مشترک با مردان و... را دلیلی بر منع حضور زن در اجتماع می‌داند و شروط و قیودی که برای زن، قرار می‌دهد؛ گاه تا حدی غیرقابل‌تحصیل است که نتیجه آن، عدم حضور زن در اجتماع خواهد بود. این امور، تنها برآمده از مکتوبات و نظریات هر دو اندیشه بود و چه بسا، میان گفتار و عمل، فاصله‌ها باشد؛ از این جهت، به پژوهشگران توانمند در عرصه علوم اجتماعی، پیشنهاد می‌شود تا با بررسی عملکرد و تعامل جامعه و هابیت و شیعه امامیه با زنان؛ تأثیر جنسیت در این دو اندیشه را با نگاهی دیگر، به تصویر کشند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بخاری، ابی عبدالله (۱۴۲۷)، جامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله و سنن و ایامه، بیروت، دارالفکر.
۳. بن ابی طاهر، احمد (بی تا)، بلاغات النساء، قم، الشری الرضی.
۴. بن باز، عبدالعزیز (بی تا)، الاحکام الشرعیه فی الفتاوی النسائیه. اسامه بن عبدالفتاح البطه، بی جا، دارالتقوی.
۵. بن حمد العباد البدر، عبدالمحسن (۱۴۲۸)، لماذا لانقود المراه السیاره فی المملکه العربیه السعودیه، ریاض، دارالتوحید.
۶. بن عبدالرحمن الجریسی، خالد (۱۴۳۲)، فتاوا علماء البلد الحرام، ریاض، مکتبه الملك فهد الوطنیه.
۷. ترمذی، ابی عیسی محمد (۱۴۲۳)، سنن الترمذی الجامع الصحيح، لبنان، دارالمعرفه.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، ادب فنای مقربان، قم، نشر اسراء.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸)، ادب قضا در اسلام، قم، نشر اسراء.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، تفسیر انسان به انسان، قم، نشر اسراء.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، حیات حقیقی انسان در قرآن، قم، نشر اسراء.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، زن در آینه جلال و جمال، قم، نشر اسراء.
۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، نشر اسراء.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، فلسفه حقوق بشر، قم، نشر اسراء.
۱۷. زکی یمانی، احمد (۱۳۸۵)، اسلام و زن، ضیاء موسوی، بی جا، میثم تمار.
۱۸. زین العابدین حماد، سهیله (۱۴۲۴)، المراه المسلمه و مواجهه تحدیات العولمه، ریاض، العبیکان.

١٩. الطيار، عبدالله (١٤٣٢)، **مجموع مؤلفات و رسائل و بحوث**، رياض، دارالتدمريه.
٢٠. العك، خالد (١٤١٣)، **موسوعه فقه المراه المسلمه من الكتاب والسنة**، دمشق، دارالايمان.
٢١. مجلسي، محمدباقر (١٤٠٣)، **بحار الانوار**، بيروت، وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامي.
٢٢. المسند، محمد (١٤١٤)، **فتاوا المراه**، رياض، دارالوطن للنشر.